

بانکداری بدون ربا و مرور متغیرهای کلان اقتصادی مرتبط با آن

حمید کاکائی^۱

سید قائم هاشمی نسب^۲

نیما دانش زاد^۳

هوشنگ مومنی وصالیان^{۴*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۰۳/۳۱

چکیده

در دنیای امروزی مفهوم ربا در بانکداری اسلامی توجه زیادی از تحقیقات را به خود جلب کرده است. این موضوع توسط فیلسوفان، علمای دین، قانونگذاران، مدیران و اقتصاددانان مورد بررسی و تقریباً تمام جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و مذهبی آن مورد مطالعه قرار گرفته است. اسلام دریافت یا پرداخت سود به هر شکل وام یا استقراض را ممنوع کرده است. اسلام ربا را به دلیل تأثیر مضر آن بر زندگی شخصی، اجتماعی و اقتصادی مردم ممنوع کرده است و همچنین آن را ناپسند، بی احترامی، غیر خیریه، ناعادلانه و منشأ بسیاری از بدی‌ها می‌داند. از اینرو با توجه به اهمیت موضوع در تحقیق حاضر سعی شده است تا با نگاهی مروری و تحلیل محتوا به مفاهیم مرتبط در این زمینه پرداخته شود و گام کوچکی در توسعه نظری این مفاهیم برداشته شود. این نتیجه حاصل شد که ربا می‌تواند نقش مهمی در بی‌ثباتی اقتصادی و برخی از متغیرهای کلان اقتصادی داشته باشد.

واژگان کلیدی

بانکداری اسلامی، ربا، متغیرهای کلان اقتصادی.

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد سنجی و مدرس دانشگاه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

۴. استادیار گروه اقتصاد واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول: hooshang.momeni@gmail.com)

مقدمه

بانکداری اسلامی یکی از مقوله‌های مهم و مطرح در اقتصاد اسلامی است که امروز در صحنه جهانی نیز جایگاه مشخص و ویژه‌ای یافته است. بانکداری اسلامی بر خلاف بانکداری ربوی یا متعارف که مبتنی بر بهره می‌باشد و به اصطلاح بانکداری ربوی نیز نامیده می‌شود، سیستمی مبتنی بر مشارکت در سود و زیان در عقود مشارکتی و بدون نرخ بهره می‌باشد که توجه آن بیشتر بر بخش حقیقی اقتصاد است. در بانکداری اسلامی، بانک‌ها عمدتاً از طریق عقود با مشتریان یا کارآفرینان و بخش‌های مختلف اقتصادی تعامل می‌کنند (عیسوی و مویدفرد، ۱۳۹۶). بانکداری اسلامی سالانه حدود ۲۰ درصد با ارزش دارایی‌های بیش از ۱ تریلیون دلار رشد می‌کند. رشد آن در کشورهای مسلمان و غیر اسلامی به طور یکسان مشاهده می‌شود. بانک‌های اسلامی با اقتصاد پایدار، تقسیم ریسک و توزیع عادلانه منابع/درآمد، رشد اقتصادی را تحریک می‌کنند. این بانک‌ها با تسهیل تقریباً هر جنبه‌ای از جامعه، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، عدالت و انصاف بیشتر را ترویج می‌کنند. با دستور اسلام ربا در نظام اقتصاد اسلامی ممنوع است و بانکداری اسلامی اساساً برای حذف آن از جامعه با عرضه محصولات مالی اسلامی آغاز شد (احمد و همکاران^۱، ۲۰۲۱).

در عصر حاضر، مفهوم ربا در بانکداری اسلامی توجه زیادی را به خود جلب کرده است و توسط فیلسوفان، علمای دین، قانونگذاران، مدیران و اقتصاددانان تقریباً با توجه به تمام جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و مذهبی آن مورد مطالعه قرار گرفت. اسلام دریافت یا پرداخت سود به هر شکل وام یا استقراض را ممنوع می‌کند. اسلام ربا را به دلیل تأثیر مضر آن بر زندگی شخصی، اجتماعی و اقتصادی مردم ممنوع کرده است، همچنین آن را ناپسند، بی‌احترامی، غیر خیریه، ناعادلانه و منشأ بسیاری از بدی‌ها می‌داند (عطاهیرو^۲، ۲۰۲۲). ربا از مسائل حاد و حساس در اسلام است. خداوند در قرآن کریم حرمت ربا را به صراحت ذکر کرده است. دوازده آیه وجود دارد که در قرآن کریم به ربا اشاره شده است (گانی^۳، ۲۰۲۰). اسلام به عنوان یک دین برای همه مشکلات از جمله ربا راه حل دارد. اسلام نه تنها یک آموزه عبادی است، بلکه نظام یکپارچه‌ای است که بر تمامی قوانین، ارزش‌ها، تعهدات، آداب و اعمال حاکم است تا یکپارچگی و عدالت بین انسان‌ها را تضمین کند (علی و همکاران^۴، ۲۰۱۸).

در این راستا، این پژوهش با استفاده از تحلیل محتوا، بانکداری بدون ربا و متغیرهای کلان اقتصادی مرتبط با آن را مورد بررسی قرار داده است.

مروری بر ادبیات نظری

از دیدگاه سنتی یا متعارف، بهره یا ربا را پاداش یکی از عوامل تولید که همان سرمایه یا عایدی از صندوق قرض شده است، در نظر گرفته‌اند. اسلام دادن یا قبول ربا یا بهره را ممنوع کرده است. ربا کلمه‌ای عربی است که از نظر زبانی به

¹ Ahmad et al

² Attahiru

³ Gani

⁴ Ali et al

معنای رشد یا اضافه است و به هر چیزی می افزاید. بهره یا ربا مطلقاً در اسلام حرام است. منابع اولیه و شاخص شریعت اسلامی مانند قرآن، حدیث، اجماع، قیاس، همگی ربا را حرام دانسته اند. ربا شامل خودخواهی، ظلم و کشتن روحیه همونوع و تعاون است و همچنین باعث سنگدلی، پول پرستی و تباهی هنجارها، اخلاق، اعتقادات معنوی و اقتصاد جامعه می شود (گانی، ۲۰۲۰).

از دیدگاه احمد و همکاران (۲۰۲۱)، ربا به معنای تعقیب کسب و کار غیرقانونی، استثمارگرانه یا سود تجاری با ارزیابی نرخ های سود گزاف است. ربا یک مازاد از پیش تعیین شده بیش از وام دریافتی توسط طلبکار در رابطه با یک دوره مشخص تعریف می شود. آن همچنین به سودهای استثماری حاصل از تجارت یا معاملات مالی مربوط می شود. ربا در اسلام برای تشویق و هدایت مسلمانان به سرمایه گذاری صحیح و حلال، حفظ اموالشان که به ناحق گرفته نشود و از کینه و بدی ها و حسد در میان آنها دوری شود، ممنوع شد؛ بنابراین، وقتی ربا در بین افراد جامعه حرام می شود، آنها را وادار می کند که با رغبت به یکدیگر قرض دهند، بدون اینکه انتظاری بیشتر از چیزی که به امانت گرفته شود، به دست آورند که این می تواند روحیه رحمت و نیکوکاری را در بین مسلمانان برجسته و استوار کند (روفای^۱، ۲۰۱۴).

خداوند متعال ربا را به عنوان شیطانی و چیزی زیان آور برای سعادت جامعه و همه بشریت توصیف کرده است. این بی عدالتی در بین مردم، شر برای اقتصاد و مانع از رشد معنوی توصیف شد. در قرآن کریم به ربا به صورت منفرد پرداخته نشده است، بلکه بیشتر وحی به اصلاح بشر و محیط نزدیک آنها می پردازد. آیات قرآنی بیان می کند که چگونه خداوند متعال ثروتمندان را به خاطر نفس و بی اعتنایی به افراد فاقدین پست می کند. اصلی که در اینجا تعلیم می دهد این است که غنای خداوند چیزی از جانب خداوند به عنوان امانت است و این آزمایشی است برای کسانی که فرصت دارند آن را داشته باشند. در قرآن کریم به طور قاطع گفته شده است که دارندگان برای کمک به محرومان یا محرومان اقتصادی مانند یتیمان، مسافران، متکدیان، بدهکاران، مهاجران مطلقه و غیره در بسیاری از آیات قرآن صدای عدالت از جمله عدالت اقتصادی شنیده می شود (عبدالقادر^۲، ۲۰۰۶). آیه ۲۷۵ سوره بقره بیان شده است که: "اما کسانی که علاقه را می خورند، مانند کسی هستند که شیطان او را با لمس او شرمند کرده است. در این حالت گرفتار می شوند و می گویند: خرید و فروش یک نوع سود است، هر چند خداوند خرید و فروش را حلال و سود را حرام کرده باشد. پس هر کس این پند را از پروردگارش دریافت کند و سپس دست از کار بردارد، ممکن است دستاوردهای قبلی خود را حفظ کند و قضاوت او بر عهده خداست؛ و کسانی که به آن بازگشتند، اهل آتشند و در آن جاودانه خواهند بود. خداوند بهره را از هر نعمتی محروم می کند، در حالی که صدقه را موجب رشد می کند. خداوند کسی را دوست ندارد که ناسپاس باشد و بر گناه اصرار کند. به راستی پاداش کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند و نماز را برپا داشتند و زکات دادند، نزد پروردگارش است. آنها هیچ دلیلی برای ترس و اندوه ندارند. مؤمنان از خدا بترسید و اگر

¹ Rufai

² Abdulkader

واقعاً ایمان دارید، از هر سود برجسته دست بردارید؛ اما اگر این کار را نکردید، از جانب خدا و رسولش از جنگ برحذر باشید. اگر هم اکنون توبه کنید، حق بازگشت سرمایه خود را دارید. نه ستم می کنید و نه به شما ستم می شود و اگر بدهکار سختی دارد، به او مهلت بده تا بازپرداختش برایش آسان شود و اگر آن را از راه صدقه ببخشید، اگر می دانستید برایتان بهتر است" (گانی، ۲۰۲۰).

از دیدگاه صمد و سوگنگ^۱ (۲۰۲۲)، ربا به معنای نوعی معامله اقتصادی است که نهی آن ناشی از ماهیت آن نیست، بلکه ناشی از معاملات انجام شده است. آموزه های اسلامی رباخواری را ممنوع کرده و مردم را به سرمایه گذاری تشویق می کند زیرا بین سرمایه گذاری و پرداخت سود تفاوت اساسی وجود دارد. این نابرابری ها را می توان از تعاریف آنها تا معانی مربوطه آنها بررسی کرد، یعنی ۱): سرمایه گذاری یک فعالیت تجاری است که دارای ریسک است زیرا با عنصر عدم اطمینان سر و کار دارد؛ بنابراین، بازگشت مطلق نیست و دائمی نیست. ۲): سرمایه گذاری مالی یک فعالیت تجاری است که ریسک کمتری دارد زیرا بازده به صورت سود کاملاً کامل و دائمی است. این سرمایه گذاری می تواند از طریق همکاری های اقتصادی انجام شود که در تمامی رشته های فعالیت اقتصادی اعم از تولید، مصرف و توزیع انجام می شود. یکی از اشکال همکاری در تجارت اقتصادی اسلامی به معنای مضاربه است. از طریق این معامله تا زمانی که همکاری اقتصادی متقابل باشد، دو طرف شریک سودی دریافت نمی کنند، بلکه سود و زیان را دریافت می کنند. این تقسیم سود و زیان را می توان یک نظام تعاونی نامید که عدالت را در تجارت اسلامی در اولویت قرار می دهد تا بتوان از آن به عنوان راه حلی برای جایگزینی نظام سود استفاده کرد (صمد و سوگنگ، ۲۰۲۲).

تحلیل پیامدهای متغیرهای کلان اقتصادی مرتبط با ربا

ربا به عنوان معیار ارزش وام (قیمت) عمل می کند که به وضوح اجاره پول است. بر اساس قواعد، مقررات و اصول اسلامی (شریعت) هر نوع معامله ای که منفعت داشته باشد به وضوح ممنوع است. ادیان دیگر مانند یهودیت و مسیحیت نیز به وضوح جمع آوری و دادن بهره را ممنوع کرده اند (کریم^۲، ۲۰۱۷). اکثر مردم احساس می کنند که داشتن پول دارای ارزش ذاتی است که باید با ریسک صفر شناسایی شود؛ اما با گسترش نرخ های بهره منفی در جهان توسعه یافته، نرخ های بهره در بسیاری از کشورها آنقدر پایین است که به سادگی به هدف خود برای تشویق مصرف کنندگان به پس انداز دیگر عمل نمی کنند. حبیب^۳ (۲۰۱۸) عنصر مخرب ربا در اقتصاد را در سه بخش دسته بندی کرد: (۱) برای وام گیرنده، جامعه و اقتصادی که در آن فعالیت می کند مضر است زیرا وام گیرنده بدون توجه به سود یا زیان فعالیت اقتصادی که پول برای آن قرض گرفته شده، به وام دهنده بهره می پردازد. اگر سود کسب و کار کمتر از پرداخت سود باشد، یا اگر ضرر داشته باشد، وام گیرنده همچنان باید بهره را بپردازد و ممکن است از تجارت خارج شود. (۲) مبلغ بهره ثابتی به وام دهنده پرداخت می شود. اگر کسب و کار خیلی خوب انجام شود، میزان بهره همچنان ثابت می ماند،

¹ Samad & Sugeng

² Kareem

³ Habib

بنابراین وام دهنده نمی تواند از سود بالا بهره مند شود. (۳) تخصیص منابع در سیستم مبتنی بر بهره ناکارآمد است زیرا به اعتبار وام گیرنده و هرگونه وثیقه ای که وام گیرنده می تواند ارائه دهد به جای بهره وری فعالیت اقتصادی یا مهارت های وام گیرنده مرتبط است.

شاهار و همکاران^۱ (۲۰۱۶) برخی از پیامدهای ربا در بی ثباتی اقتصادی را به شرح زیر مطرح کردند:

اولین مورد، تأثیر ربا بر سرمایه گذاری و پس انداز است. وقتی نرخ بهره بالاتر باشد، پس انداز افزایش می یابد و اقتصاددانان کلاسیک معتقد بودند که پس انداز بیشتر، سرمایه گذاری های بیشتری دارد. درست است که سود بیشتر هزینه سرمایه گذاری را افزایش می دهد و این می تواند بر کل سرمایه گذاری در اقتصاد و همچنین گرانی کالا و خدمات تأثیر بگذارد.

دوم اینکه، بهره توزیع مجدد ناعادلانه ثروت را تشویق می کند و این مکانیسمی است که توسط افراد ثروتمند برای به دست آوردن پول بیشتر به هزینه فقرا استفاده می شود. دارندگان مازاد ثروت خود را به عنوان وام به افراد فقیر می دهند و در ازای آن انتظار پول بیشتری دارند. افرادی که ندارند قرار است از وجوهی که جمع آوری کرده اند در تجارت یا استفاده شخصی استفاده کنند. اگر برای تجارت استفاده شود و موفقیت آمیز باشد، می توانند اصل پول را با مبلغ اضافی به عنوان بهره برگردانند که باعث افزایش ثروت ثروتمندان از ثروت اندک فقرا می شود؛ اما اگر شکست بخورد، وثیقه خود را که از منابع مختلف به دست آورده اند از دست می دهند و ثروت بیشتری به ثروتمندان می افزاید. در شرایطی که پول جمع آوری شده برای استفاده شخصی باشد، در بازگرداندن آن، مبلغ اضافی به عنوان سود پرداخت می شود؛ یعنی اندکی که فقیر از درآمد خود پس انداز می کند به صورت بهره به ثروتمندان منتقل می شود؛ یعنی توزیع ناعادلانه ثروت ناشی از بهره است. به جای متعادل کردن شکاف بین فقیر و غنی، ثروتمندان را ثروتمندتر و فقیر را فقیرتر می کند و شکاف بین فقیر و غنی را بیشتر می کند.

سوم اینکه، بهره فقرا و نیازمندان را استثمار می کند. افراد ثروتمند به عنوان طلبکار، درآمد فعلی خود را به تعویق انداختند تا از سود وامی که در آینده به بدهکاران نیازمند داده می شد، به دست آورند؛ بنابراین، ثروت آتی طلبکار را افزایش می دهد و درآمدهای آتی بدهکار را کاهش می دهد. این یک عمل کامل استثماری را نشان می دهد و منجر به فقر بیشتر در میان نیازمندان می شود. هنگامی که وام با بهره ای که باید پرداخت شود جمع آوری می شود، وام گیرندگان باید برای انجام تعهدات وام سخت تر تلاش کنند. وام گیرندگان می توانند در هر شغل پرخطر شرکت کنند تا بتوانند درآمد بیشتری برای بازپرداخت وام با بهره داشته باشند. دلالت بر این دارد که علاقه افراد ثروتمند را حریص و بی ملاحظه می کند. آنها به ضرر فقرا پول راحتی به دست می آورند. نرخ بالای درصدی که به عنوان بهره از اصل سرمایه در نظر گرفته می شود به معنای یک عمل استثماری است. مالک صندوق چیزی جز درآمد بیشتر از وام گیرنده صندوق که برای اطمینان از استفاده و بازدهی صندوق تلاش می کند، کمک نمی کند.

¹ Shahar et al

در نهایت، بهره یا ربا بی ثباتی اقتصادی را به همراه دارد. بهره تا حدودی اقتصاد را بی ثبات می کند، همانطور که فریدمن فراز و نشیب های یک اقتصاد را با افزایش و کاهش نرخ بهره مرتبط می کند. معتقدند که ظن جدی نسبت به نرخ بهره و سایر اهداف اقتصادی وجود دارد. به عنوان مثال، استفاده از نرخ بهره به عنوان معیار کنترل تورم رضایت بخش نیست. این به این دلیل است که اول از همه، تورم اغلب همراه با رکود اتفاق می افتد. پدیده تورم در دوران رکود را نمی توان به سادگی از طریق تغییرات نرخ بهره تعدیل کرد. ثانیاً، در موارد کشش پایین تقاضا، بار اضافی نرخ بهره به سادگی بر دوش مصرف کننده نهایی خواهد بود. در چنین شرایطی، نرخ بهره خود را به یک متغیر تورمی تبدیل می کند. در بلندمدت، از طریق کاهش سرمایه گذاری و تولید، افزایش نرخ بهره تورمی تر می شود. با این حال، بازار مالی زمانی که یک نوسان منظم نرخ بهره وجود داشته باشد، ثبات ندارد. همچنین باعث تورم در اقتصاد می شود، زیرا زمانی که تولیدکنندگان سرمایه را با بهره بالاتر قرض می کنند، کالاها یا خدماتی که تولید می کنند قیمت های بالاتری خواهند داشت.

در تحقیقی دیگر فراهنی فرد (۱۳۸۸)، نقش بانکداری بدون ربا را در توسعه اقتصادی بدینگونه تشریح کرده است:

۱- توزیع ناعادلانه ثروت: در جوامعی که ثروتها و منابع طبیعی که بر اساس آیات قرآن کریم برای بهره برداری همه مردم آفریده شده، در اختیار گروه هایی خاص قرار می گیرد و بسیاری از مردم از آن بی بهره اند، فقر فراگیر می شود و به تدریج فاصله طبقاتی فزونی می یابد. هر چند خصوصیات شخصی طبقات فقیر، چون تنبلی، بیکارگی، پایین بودن سطح فرهنگ و برخی از عوامل طبیعی، اقتصادی و اجتماعی در تهیدستی کم درآمدها مؤثر است؛ ولی در اکثر موارد سبب اصلی، ستم سرمایه دارانی است که تنها به سود خود می اندیشند. نفس حرمت ربا در مکتب اقتصادی اسلام حاکی از ظالمانه بودن آن است که با عدالت اجتماعی مغایرت دارد. شهید مطهری نیز در این باره فرموده است که در ربا تسلط سرمایه بر کار اثبات می شود و قدرت اقتصادی در اختیار سرمایه قرار می گیرد زیرا سرمایه چه کاری بکند یا نکند و یا در جریان کار ضربه ببیند یا نبیند مزد خود را می گیرد بر خلاف کار که کارگر مزد خود را در مقابل کاری که انجام داده می گیرد. البته منشا نابرابری اقتصادی و پدید آمدن فاصله طبقاتی را باید در مراحل مختلف قبل از تولید، تولید و توزیع جست وجو کرد. اسلام برای برقراری عدالت در این مراحل، با در نظر گرفتن استعدادها و تلاش متفاوت انسانها، رهنمودهایی ارائه داده است.

الف) توزیع قبل از تولید: مقصود از توزیع قبل از تولید شیوه بهره برداری مسلمانان از ثروتهای طبیعی چون زمین، آب و مباحات عمومی (ماهیهها، پرندگان) است. در این مرحله، حدودی مشخص شده است که از انباشته شدن منابع و ثروتهای یاد شده در دست گروهی خاص و محرومیت گروهی دیگر جلوگیری می کند و اولین و مهم ترین عامل ایجاد شکاف میان طبقات مختلف جامعه را از میان می برد.

ب) توزیع بعد از تولید: وقتی منابع اولیه در جریان تولید قرار می گیرد، سود حاصل از آنها میان افرادی که در جریان تولید دخالت داشتند، تقسیم می شود. در نظام بانکی ربوی در این توزیع، تکیه اساسی بر سرمایه قرار دارد و همین

موجب استثمار کارگران می شود. در بانکداری اسلامی به لحاظ تحریم بهره، وقتی سرمایه در ریسک تولید شرکت نکند، بهره ای از سود ندارد؛ و نیروی کار می تواند از طریق مزد یا مشارکت در فرایند تولید و تجارت (مزارعه، مساقات، مضاربه و شرکت) به سهم خود دست یابد.

ج) توزیع مجدد: گرچه در نظام اقتصادی اسلام دو مبنای توزیع قبل از تولید و توزیع بعد از تولید تا حدود زیادی زمینه را برای تحقق توازن اجتماعی و رفع فقر فراهم می کند ولی با این همه برای ریشه کن کردن فقر و تحقق کامل توازن اقتصادی، توزیع مجدد درآمدها را پیش بینی نموده است. قواعد مربوط به توزیع قبل و بعد از تولید در دایره افرادی که قدرت فعالیت اقتصادی را دارند، عمل می کند اما افرادی که چنین قدرتی را ندارند مانند سالخوردگان، یتیمان، معلولین و بیماران نیز باید از رفاه متوسط برخوردار شوند. افرادی که در میدان اقتصاد فعالیت می کنند نیز به سه گروه تقسیم می شوند: ۱. افرادی که از استعداد و توانایی و امکانات لازم برخوردار نیستند و نمی توانند با فعالیت، مخارج خود را در حد رفاه متوسط جامعه تامین نمایند. ۲. افرادی که از استعداد و توانایی لازم برای تامین مخارج مورد نیاز خود برخوردار می باشند. ۳. گروهی که از طریق فعالیت اقتصادی علاوه بر تحصیل درآمد مکفی برای زندگی خود، از مازاد درآمد نیز برخوردار می باشند؛ بنابراین افراد جامعه به چهار گروه تقسیم می شوند که دو گروه از آنها، نیاز به حمایت مالی دارند. حمایت از گروه اول، یعنی سالمندان و از کارافتادگان، تنها از طریق کمک های بلاعوض دولت و مردم امکان پذیر می باشد؛ بانک می تواند کمک های مزبور را جمع آوری و در اختیار این افراد یا مراکز کمک رسانی قرار دهد. نقش عمده بانک، در این مرحله، حمایت مالی از گروه دوم است. بانک از طریق جذب سپرده های قرض الحسنه مردم نیکوکار، به ضمیمه کمک های دولت می تواند سرمایه و امکانات اولیه لازم برای اشتغال را به صورت قرض الحسنه یا از طریق عقود مشارکت با نسبت سهم سود کم، در اختیار این گروه قرار دهد. بدون تردید، مؤثرترین نقش بانک در توزیع عادلانه، در مرحله دوم توزیع یعنی توزیع بعد از تولید می باشد.

۲- فقدان سرمایه: یکی از عوامل مهم در عقب ماندگی و فقر کشورها پایین بودن میزان سرمایه گذاری در این کشورها می باشد. در یک بررسی مقایسه ای روشن می شود در نظام بانکی مبتنی بر مشارکت، عرضه و تقاضا برای وجوه سرمایه گذاری به دلایلی چند افزایش می یابد.

الف) افزایش عرضه وجوه سرمایه گذاری: در نظام بهره صاحبان پس انداز و مؤسسات پولی، گرفتن بهره و رباخواری را به کارهای سرمایه گذاری ترجیح می دهند؛ زیرا در هر حال وام گیرنده چه سود ببرد یا زیان، سود وام دهنده بهره وام تضمین شده است و این باعث می شود که اولاً وامها به فعالیت های کوتاه مدت اختصاص یابد تا در صورت افزایش نرخ بهره بتوانند از آن استفاده کنند. ثانیاً در مواقعی که نرخ بهره پایین است، قسمتی از پس اندازها را کد می ماند و به جای وارد شدن در جریان تولید راهی بازارهای پولی و سفته بازی می گردد.

ب) افزایش تقاضا برای وجوه سرمایه گذاری: در نظام ربوی، وقتی تقاضا برای سرمایه گذاری وجود دارد که نرخ بهره وری آن بزرگتر از نرخ بهره بانک (که وام گیرنده ملتزم به پرداخت آن می شود) باشد. علاوه بر آن در صورت انتظار

کاهش نرخ بهره، تقاضا برای وجوه، حتی با فرض برتری بازدهی سرمایه از بهره، پایین می آید. در صورتی که در نظام مشارکت، به علت امکان پذیر نبودن سفته بازی و استفاده از بهره پول تا وقتی نرخ بهره وری بزرگتر از صفر باشد، متقاضی برای سرمایه گذاری وجود دارد؛ البته در این نظام نیز در حله اول فعالیت ها با یکدیگر مقایسه شده و در هر فعالیت تولیدی که نرخ سود انتظاری بیشتر ست سرمایه گذاری انجام خواهد گرفت. در نهایت در صورت وجود منابع پولی در هر طرحی که دارای بازده انتظاری مثبت باشد سرمایه گذاری انجام خواهد شد.

۳- فقدان امکانات شغلی: بیکاری بلای اجتماعی-اقتصادی شناخته شده ای است که به از دست دادن حیثیت و کاهش تولید و پس انداز می انجامد و از عوامل مهم پیدایش و تشدید فقر شمرده می شود. پایین بودن نرخ بی کاری از شاخص های مهم توسعه یک کشور به شمار می آید و به همین جهت، ایجاد فرصت های شغلی برای جویندگان کار یکی از اهداف سیاست های اقتصادی است. در نظام بانکی ربوی به دلیل وجود سفته بازی همواره حجم پس انداز بیش از سرمایه گذاری خواهد بود (تساوی پس انداز و سرمایه گذاری شرط اشتغال کامل است). این عدم تعادل موجب بیکاری خواهد شد که آثار سوء آن مستقیماً متوجه کارگران و صاحبان درآمد ثابت می شود. با حذف بهره و منحصر شدن سودآوری پس اندازها در فعالیت های سالم اقتصادی، حجم سرمایه گذاری افزایش پیدا کرده و افرادی که توانایی کار و تلاش را دارند و فقط به جهت فقدان سرمایه لازم بیکار هستند امکان اشتغال پیدا می کنند.

۴- پایین بودن بهره وری و سود: یکی دیگر از مشخصه های کشورهای فقیر پایین بودن نرخ بهره وری و سودآوری سرمایه گذاری در این کشورها است. در نظام بانکی مبتنی بر حذف بهره صاحبان سپرده ها در سود حاصل از عملیات موضوع مشارکت مستقیماً سهیم می باشند که این سهم بر خلاف نظام بهره دارای نرخ ثابتی نیست و بستگی مستقیم به عواملی چون مدیریت صحیح، سرعت عمل، وجود بازار برای محصول دارد و به همین دلیل سبب تشویق طرفین به فعالیت بیشتر در جهت تحقق اهداف موضوع مشارکت خواهد شد که نتیجه آن سودآوری بیشتر برای تولیدکننده و همچنین صاحبان سهام می باشد.

۵- پایین بودن سطح تولید: یکی از آثار بارز عوامل فوق کاهش میزان تولید در کشورهای فقیر می باشد؛ کمبود تولید به نوبه خود یکی از عوامل فقر به شمار می آید. فعالیت تولیدی در چارچوب بانکداری اسلامی موجب افزایش تولید می شود؛ این مسئله حاصل آثاری است که بر حذف ربا و مشارکت صاحب سرمایه در فعالیت تولیدی مترتب می گردد (فراهنی فرد، ۱۳۸۸).

دالی و فریخا^۱ (۲۰۱۶) عقیده داشتند که ممنوعیت پرداخت سود توسط شرع اسلامی، در عوض، سهام و تقسیم سود را به سنگ بنای فعالیت های آن تبدیل کرده است. با این حال به اعتقاد آنها، آرمان گرایی نظام مالی آزاد اسلامی ربا فراتر از تعامل ساده بین عامل تولید و رفتار اقتصادی است. رهنمودهای اخلاق تجارت، توزیع ثروت، عدالت اجتماعی و اقتصادی و صداقت و نیز نقش دولت تنها در اسلام قابل احترام است. در حالی که دیدگاه مرسوم عمدتاً بر جنبه های

¹ Daly and Frikha

اقتصادی و مالی عملیات متمرکز است، دکترین اقتصادی اسلامی بر جنبه‌های اخلاقی، اجتماعی و مذهبی حکومت اسلامی و استفاده عملی از آن از طریق توسعه اقتصاد اسلامی که برابری و انصاف را بهبود می بخشد، تمرکز دارد. الجرحی^۱ (۲۰۱۷) پیشنهاد کرد که فقه اسلامی با توجه به منطق مالی اسلامی، چیزی فراتر از اصل عدالت را ارائه می دهد که نهی از بهره را زیربنایی می داند. هزینه های قراردادی و معاملات بالاتر در امور مالی اسلامی دخیل است. از کالاهای خدمات مبتنی بر قراردادهای مختلف، از جمله گزینه اختلاط و تطبیق و اوراق بهادار به جای یک قرارداد ساختاریافته، مانند قرارداد وام دهی مرسوم، استفاده می کند.

موسوی^۲ (۲۰۱۸) توضیح داد که رعایت قوانین سختگیرانه اسلام در مورد وجود تراکنش های مالی و ممنوعیت بهره، آزادی مسلمانان در دنیای غرب را برای خرید، پس انداز و سایر معاملات محدود می کند. این موضوع باعث ناامیدی و زمینه ای برای بحث های درونی بین مسلمانان و دانشمندان اسلامی در مورد تفسیر و اجرای متون قرآنی و همچنین بحث بیرونی بین ایدئولوژی های دینی، سکولار و اخلاقی شده است. برای بررسی انتقادی، ارزیابی مجدد و مقایسه ارزش ها و نظام های مالی سود و ربا، به معنای تاریخی و مدرن سیاست، اقتصاد، فلسفه و دین الهام گرفته است. او همچنین توضیح داد که مسئله اصلی این است که برخی از فلسفه ها هر نوع علاقه را ممنوع می دانند، در حالی که برخی دیگر تامین مالی را ضروری می دانند.

در تحقیق عطا هیرو (۲۰۲۲)، بیان شده است که ربا در اسلام به منظور تشویق مسلمانان به سرمایه گذاری های درست و همچنین حفظ ثروت یکدیگر از استثمار ناعادلانه و نیز دوری از نفرت، بدی و حسادت در میان آنها ممنوع شد. ربا تشویق روح رحمت و نیکوکاری در میان مسلمانان با قرض دادن با رغبت به یکدیگر بدون هیچ گونه انتظاری برای دریافت بیش از مبلغ قرض شده است. ربا محکوم است زیرا برخلاف روح اسلامی عدالت و انصاف است. دسترسی آسان به وام ها ممکن است افراد را ترغیب کند که فراتر از توان خود زندگی کنند و احتمالاً برای چیزهایی که ضروری نیستند خرج کنند. کسانی که وام ها یا وام های مسکن خود را نکول می کنند، اگر خانه های خود را به عنوان وثیقه استفاده کرده باشند، ممکن است خطر از دست دادن خانه های خود را داشته باشند. شرکت ها زمانی که نمی توانند سود وام های خود را ارائه کنند، ورشکسته اعلام شوند که منجر به از دست دادن شغل برای کارکنان آنها و از بین رفتن چشم انداز تولیدی برای کل جامعه می شود. نرخ های بهره بالا ممکن است باعث شود تا تجار نتوانند یا حتی تمایلی به استقراض از بانک ها نداشته باشند و در نتیجه مانع رشد و بهره وری بخش تجاری شود. دسترسی آسان به موسسات مالی جهانی ممکن است باعث شود دولت ها وام بگیرند و در نتیجه عوامل کلان اقتصادی مانند تورم و عدم تعادل خارجی را علاوه بر فشار دادن منابع موجود برای توسعه، تشدید کند. این امر برخی از کشورهای فقیرتر را به بهره برداری بیش از حد از منابع زمین و متعاقباً تخریب سیستم های اکولوژیکی خود سوق می دهد. بار بدهی سنگینی که برخی کشورها در دست دارند،

¹ Al-Jarhi

² Moussaoui

بهبود آنها را از یک اقتصاد رکود دشوار می کند و باعث رنج بیشتر برای کل جامعه می شود. بدون اینکه آنها را به انفاق نیازمندان وادار کند، منفعت فقیر و غنی جز با این درست نمی شود. وقتی ثروتمند با فقیر ربا می شود، مانند مردی است که به دیگری بدهکار است، اما با این افزایش، او را از حق و حتی ظلمش باز می دارد، در حالی که بدهکار به بدهی خود نیازمند است.

نتیجه گیری

از آنجایی که بحث ربا در تمام تمدن اسلامی موضوع بسیار بزرگ و مهمی بوده است، این مقاله از گفتار ربا که در بالا توضیح داده شد، می توان دریافت که بحث ربا در این نوشتار برای تقویت بینش خوانندگان در مورد این مقاله، مقدمه ای کوتاه در مورد ربا و نقش آن در اقتصاد ارائه می کند. واژه ربا در گفتمان اقتصاد اسلامی همواره مطرح بوده است. نهی از ربا به عنوان یکی از ارکان اولیه اقتصاد اسلامی با هدف ایجاد سیستمی است که فضای سرمایه گذاری را حمایت کند. در نتیجه ممنوعیت ربا در بخش واقعی، از جمله می تواند تشویق بهینه سازی سرمایه گذاری، جلوگیری از انباشت ثروت در گروهی از افراد، جلوگیری از تورم و کاهش بهره‌وری و ایجاد فعالیت اقتصادی عادلانه حضور اقتصاد اسلامی در میان شهروندان، ایجاد عدالت اقتصادی و توزیع درآمد در جهت دستیابی به رفاه جامعه است.

منابع

عیسوی، محمود؛ مویدفرد، احمد (۱۳۹۶). اثر متغیرهای کلان بر بانکداری بدون ربا در ایران، مطالعات اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره دوم، صص: ۲۲۴-۲۰۷.

فراهنی فرد، سعید (۱۳۸۸). نقش بانکداری بدون ربا در رفع فقر، فصلنامه مفید، شماره ۱۷، صص: ۱۳-۱.

Abdulkader T. (2006) Interest in Islamic Economics Understanding riba. Routledge 2 Park Square, Milton Park, Abingdon, London and Newyork.

Ahmad, A., Farooq, W., & Imran, M. (2021). Islamic Banking Products: A Comparative Study of the Perception of Bankers & Scholars. *Al-Qamar*, 4(1), 31-44.

Ali, A. R., Bin Noordin, K., & Achour, M. (2018). The Islamic approach of obligations in mutual relations between employee and employer. *International Journal of Ethics and Systems*, 34(3), 338-351.

Al-Jarhi, M. A. (2017). An economic theory of Islamic finance. *ISRA International Journal of Islamic Finance*, 9(2), 117-132.

Attahiru, M. S. (2022). RIBA (USURY) and its Effect on the Global Economy. *Journal of Research in Business and Management*, 10(1), 37-44.

Gani, I. M. (2020). Interest (riba) and its consequence on the economy. *Journal of Islamic, Social, Economics and Development*, 5(30), 13-22.

Habib, S. F. (2018). *Fundamentals of Islamic finance and banking*. John Wiley & Sons.

Kareem, M. K. (2017). On the meaning of Ribā [interest] and its effect on the Nigerian economy. *HTS: Theological Studies*, 73(3), 1-14.

Moussaoui, I. (2018). The Islamic Prohibition on Interest: Muslim Americans' Financial Understandings, Attitudes, and Behavior.

- Rufai, A. (2014). The adverse impact of Riba on individual and society: a concise and comprehensive study. *e-Bangi*, 19(1), 13.
- Samad, T. F. D., & Sugeng, A. (2022). The Prohibition of Usury in Islamic Economic Viewpoint. *Tapis: Jurnal Penelitian Ilmiah*, 6(1), 7-15.
- Shahar, W. S. S. W., Zan, U. M. S. M., & Hassin, W. S. W. (2016, November). The Implication of Usury (Riba) in Economic: A Critique. In *Proceeding of the 3rd International Conference on Management & Muamalah 2016*.